

ویژگی‌های فردی، اجتماعی و سیاسی حضرت ابوطالب علیه السلام^۱

علی انجم شعاع^۲

محمد صادق سلیمانی نژاد رابر^۳

چکیده

روایات و گزاره‌های تاریخی در موارد متعددی به انعکاس ویژگی‌های حضرت ابوطالب علیه السلام پرداخته‌اند. با بررسی منابع موجود در رابطه با ایشان، مشخص می‌شود این خصوصیت‌ها به صورت تخصصی و مدون جمع‌آوری و ارائه نشده و مقاله حاضر متکفل این پژوهش گردیده است. غریب بودن شخصیت او در بین شیعیان، هجمه‌های ناجوانمردانه به این ولی الهی، تبیین صحیح تاریخ اسلام، دفاع از ساحت امیرالمؤمنین علیه السلام و نیاز به الگوگیری از ایشان، لزوم پرداختن به این موضوع را مضاعف می‌نماید. علاوه بر ذکر ویژگی‌ها، نقل متن روایات و گزاره‌های تاریخی مرتبط با هر خصوصیت و دسته‌بندی آنها، از نوآوری‌های این نوشتار است. گفتنی است مقاله حاضر در قالب سه بخش به تبیین خصیصه‌های ارزشمند فردی، اجتماعی و سیاسی این مرد بزرگ همت نموده است.

واژگان کلیدی

اخلاق و ظاهر ابوطالب علیه السلام، ویژگی‌های دینی ابوطالب علیه السلام، مناصب اجتماعی ابوطالب علیه السلام، منش سیاسی ابوطالب علیه السلام، مدافع و حامی پیامبر صلی الله علیه و آله، تاریخ اسلام

درآمد

گسترش اسلام، مدیون افرادی است که از جان و دل کوشیده و سختی‌های فراوان کشیدند. ابوطالب علیه السلام از اصلی‌ترین افرادی است که در جریان دادن این سرچشمه، سنگ تمام گذاشته است.

۱. حائز رتبه سوم کمیسیون تاریخ و سیره.

۲. دانش‌پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم a.a.shoa@gmail.com

۳. دانش‌پژوه سطح سه حوزه علمیه قم.

بسیاری از مسلمانان و حتی شیعیان فقط نامی از وی در ذهن خویش دارند و از درک شناخت این ولی الهی بی‌بهره‌اند. در مقابل برخی از مذاهب دیگر به بیان حرف‌های بی‌پایه درباره این شخصیت بزرگ پرداخته و حتی او را خارج از ایمان معرفی نموده‌اند. در این مقاله سعی شده تا ویژگی‌های این مرد بزرگ جمع‌آوری و برای دوستداران و ارادتمندان ایشان ارائه شود.

دانستن صحیح تاریخ اسلام، الگوگیری از این ولی الهی و دفاع از امیرالمؤمنین علیه السلام به‌عنوان فرزند ایشان از انگیزه‌های پرداختن به این بحث است.

ذکر ویژگی‌های ابوطالب علیه السلام منحصر در این مقاله نبوده و در منابع و کتب مختلف به آن پرداخته شده است. آنچه این تحقیق را با سایر نگاه‌ها متمایز می‌سازد ورود تخصصی به این موضوع و انعکاس منابع آن است.

در این نگاه‌ها ویژگی‌های حضرت ابوطالب علیه السلام در سه محور ارائه می‌شود. شاخصه‌های فردی، اجتماعی و سیاسی، مهم‌ترین عناوینی هستند که بخش‌های اصلی این مقاله را تشکیل داده‌اند. این ویژگی‌ها خود چند خصوصیت به همراه دارند. در این مقاله به ذکر مشخصه‌ها بسنده نشده و مقداری از یک یا چندین عبارت دال بر آن ویژگی و همچنین آدرس منابع مختلفی که به نقل آن گزاره پرداخته‌اند نیز درج می‌شود.

این روش موجب شده تا گنجینه بسیار ارزشمندی با بیش از هفتاد خصوصیت در قالب حدود یکصد روایت به‌صورت صدها گزاره مرتبط با شخصیت ایشان گردآوری شود. تخریب این گزاره‌ها باعث شده تا مراجعه به منابع برای پژوهشگران در تحقیق‌های آتی آسان‌تر شده و به اعتبار این مشخصه‌ها بیفزاید.

علاوه بر این، دسته‌بندی خصوصیت‌ها به شکل سه بخش اصلی و نه فصل و ارائه آنها در قالب «فهرستی» از نوآوری‌های این مقاله است.

الف) ویژگی‌های فردی

ابوطالب علیه السلام شخصیتی نمونه و دارای ویژگی‌های فردی ارزشمندی بود. هرکدام از این خصلت‌ها نشان دهنده سیرت پاک او بوده و زیندگی اخلاقی وی را نشان می‌دهد. اگر تصریح به ایمان و اسلام حضرت ابی‌طالب علیه السلام در منابع اسلامی وجود نداشت، همین ویژگی‌های اخلاقی وی که نشأت گرفته از درون پاک او است، برای نشان دادن بزرگی مقام ایشان کافی است. ویژگی‌های فردی این شخصیت ارجمند در چهار محور قابل ارائه است. «خصوصیات خانوادگی»، «داشته‌های دینی»، «خصوصیات اخلاقی» و «مشخصه‌های ظاهری» از مواردی هستند که به‌صورت مجزاً و در قالب چهار فصل فهرست می‌گردد:

۱. خصوصیات خانوادگی

اولین نکته‌ای که در مورد حضرت ابوطالب علیه السلام توجهات را به خود جلب می‌کند، نَسَب و خاندان ایشان است. او از بهترین خاندان و از ذریه حضرت ابراهیم و اسماعیل علیه السلام شمرده می‌شود. وی پدر امیرالمؤمنین علیه السلام و عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. در این بخش فهرستی از منسوبان پرفضیلت ایشان و همچنین عبارتی مرتبط با آنها ارائه می‌شود:

منبع	عبارت	ویژگی
ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۶؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۳۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۸۶.	قال ابوطالب: یا ابه لا توصنی بمحمد فانه ابنی و ابن اخی.	عموی پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۵۴؛ یوسف بن حاتم، الدرّ النظیم، ص ۲۲۶؛ عاملی، الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۳۳۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۴۷.	رای [ابوطالب] فی منامه کان قائلاً یقول: اباطالب قرّت عینک و ظفرت یدک و حسنت رؤیاء فاتی لك بالولد و مالك البلد و عظیم التلد علی رغم الحسد فانتبه فرحا.	پدر امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی طالب، ص ۱۲۲؛ یوسف بن حاتم شامی، الدرّ النظیم، ص ۲۱۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۱۴.	لامیر المؤمنین <small>علیه السلام</small> فی ابیه ابی طالب رضی الله عنه یرثیه: اباطالب عصمة المستجیر* و غیث المحول و نور الظلم* لقد هد فقدك اهل الحفاظ* فصلی عليك ولی النعم.	
کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۷۴؛ ابن ابی جمهور، عوالی الآلی، ج ۳، ص ۲۹۸.	قال [ابوطالب]: الحمد لربّ هذا البيت الذی جعلنا من زرع ابراهیم و ذریة اسماعیل ...	از نسل حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> و اسماعیل <small>علیه السلام</small>
صدوق، اعتقادات امامیه، ص ۱۱۰.	رؤی انّ عبدالمطلب کان حُجَّةً و اباطالب کان وصیةً.	فرزند عبدالمطلب <small>علیه السلام</small>
راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۰۷۵؛ یوسف بن حاتم، الدرّ	امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small> یقول: و الله ما عبد ابی و لا جدی عبدالمطلب و لا هاشم	

<p>و لا عبد مناف صنما قط. قيل: و ما كانوا يعبدون؟ قال: كانوا يصلون الى البيت على دين ابراهيم متمسكين به.</p> <p>النظيم، ص ۲۲۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۴۴.</p>		
<p>همسر فاطمه بنت اسد <small>رضی الله عنه</small></p> <p>قال على بن الحسين <small>رضی الله عنه</small>: لا يشك احد ان بنت اسد من المؤمنات السابقات و انها لم تزل تحت ابي طالب حتى مات ابوطالب رضى الله عنه.</p> <p>مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۵.</p>		
<p>برادر عبدالله بن عبدالمطلب <small>رضی الله عنه</small></p> <p>ابى عبدالله <small>رضی الله عنه</small> قال: نزل جبرئيل <small>رضی الله عنه</small> على النبى <small>صلى الله عليه وسلم</small> فقال: يا محمد ان ربك يقرئك السلام و يقول: انى قد حرمت النار على صلب انزلك ... فالصلب صلب ابيك عبدالله بن عبدالمطلب.</p> <p>كلينى، الكافى، ج ۱، ص ۴۴۶؛ صدوق، معانى الاخبار، ص ۱۳۶؛ صدوق، الامالى، ص ۶۰۶؛ فتال نيشابورى، روضة الواعظين، ج ۱، ص ۶۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۰۸.</p>		
<p>جاءت [النبى <small>صلى الله عليه وسلم</small>] الى ابي طالب رحمه الله فقالت: يا عم ما حسب ابي فيكم؟ فقال: يا بنىة، ابوك فينا السيد المطاع العزيز الكريم.</p> <p>فخار بن معد الموسوى، ايمان ابي طالب، ص ۳۵۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۲۷.</p>		
<p>پدر جعفر بن ابي طالب <small>رضی الله عنه</small></p> <p>قال [الصادق <small>رضی الله عنه</small>]: ان النبى <small>صلى الله عليه وسلم</small> حين جاءته وفاة جعفر بن ابي طالب <small>رضی الله عنه</small> و زيد بن حارثة كان اذا دخل بيته كثر بكاؤه عليهما جدا و يقول: كانا يحدثانى و يؤانسانى فذهبا جميعا.</p> <p>صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۷۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۵۵.</p>		

ابوطالب رضی الله عنه دارای نسبی پاک و خاندانی بافضیلت بود. در بین منسوبان نزدیک به ایشان، افراد سرشناسی مانند پیامبر اکرم صلى الله عليه وسلم، امیرالمؤمنین رضی الله عنه، عبدالمطلب، فاطمه بنت اسد و عبدالله بن عبدالمطلب چهره‌های درخشان دوران خویش هستند.

۲. داشته‌های دینی

ابوطالب علاوه بر ویژگی‌های نسبی و سببی با بزرگان اسلام، دارای خصلت‌های فردی بسیار نیکویی بودند. یکی از این ویژگی‌ها، داشته‌های دینی ایشان است. در دورانی که فساد و تباهی، مگه و قریش را فرا گرفته بود، ابوطالب علیه السلام با دین‌داری، خویشتن را از صف ایشان جدا کرده و مورد توجه پروردگار قرار گرفت. در ادامه ویژگی‌های دینی او ارائه می‌شود:

منبع	عبارت	ویژگی
فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی‌طالب، ص ۱۲۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۴.	امیر المؤمنین علی <small>علیه السلام</small> قال: کان و الله ابوطالب عبد مناف بن عبدالمطلب مؤمنا مسلما.	مسلمان
فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی‌طالب، ص ۱۲۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۴.	امیر المؤمنین علی <small>علیه السلام</small> قال: کان و الله ابوطالب عبد مناف بن عبدالمطلب مؤمنا مسلما.	مؤمن
فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی‌طالب، ص ۱۲۳؛ ابن حیون، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۲۲۱؛ یوسف بن حاتم، الدرّ النظیم، ص ۲۱۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۵.	عن علی بن الحسین <small>علیه السلام</small> : انه سئل عن ابی‌طالب أ کان مؤمنا؟ فقال <small>علیه السلام</small> : نعم.	
فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی‌طالب، ص ۱۴۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۷.	عن محمّد بن علی الباقر <small>علیه السلام</small> : شعره [یعنی ابوطالب] فی دیوانه یدلّ علی ایمانه.	
صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۱۷۵؛ راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۰۷۵؛ یوسف بن حاتم، الدرّ النظیم، ص ۲۲۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۴۴.	امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> یقول: و الله ما عبد ابی ... صنما قط. قیل له: فما كانوا یعبدون؟ قال: كانوا یصلّون الی البیت علی دین ابراهیم <small>علیه السلام</small> متمسکین به.	

صالح ترین مؤمن	قال على <small>عليه السلام</small> : انا ابن صالح المؤمنين.	ابن شاذان، الفضائل، ص ٨٠.
دارای بالاترین درجه ایمان	عن محمد بن علي الباقر <small>عليه السلام</small> : لو وضع ايمان ابي طالب في كفة و وضع ايمان الخلائق في الكفة الاخرى، لرجح ايمان ابي طالب على ايمانهم جميعا.	بحرانی، حلیة الابرار، ج ٦، ص ٤٥؛ مجلسی؛ بحار الانوار، ج ٣٥، ص ١٥٦.
اقرار نکردن به ایمان او مساوی جهنم	ابان بن محمد قال: كتبت الى الامام الرضا على بن موسى: جعلت فداك قد شككت في ايمان ابي طالب. قال: فكتب: ... أنك ان لم تقرّ بايمان ابي طالب كان مصيرك الى النار.	کراچکی، کنز الفوائد، ج ١، ص ١٨٣؛ فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابي طالب، ص ٧٧؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ٣٥، ص ١١٠ و ١٥٦.
کتمان کنندۀ ایمان به خاطر خدا	[روى عن رسول الله <small>ﷺ</small>]: أنه لما كانت الليلة التي اسرى بي فيها الى السماء انتهيت الى العرش فرأيت اربعة انوار فقلت: الهى ما هذه الانوار؟ فقال: يا محمد ... هذا عمك ابوطالب ... فيما ذا نالوا هذه الدرجة؟ قال: بكتمانهم الايمان.	فتّال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ١، ص ٨١؛ شعیری، جامع الاخبار، ص ١٦؛ یوسف بن حاتم، الدرّ النظیم، ص ٢٣٤؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ٣٥، ص ١٥.
	[روى عن رسول الله <small>ﷺ</small>]: ان اباطالب كان مثله كمثل اصحاب الكهف حين اسرّوا الايمان و اظهروا الشرك فاتاهم الله اجرهم مرتين.	صدوق، الامالی، ص ٦١٥؛ فتّال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ١، ص ١٣٩؛ فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابي طالب، ص ٣٢١؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ٣٥، ص ٧٢.
	الحسن بن علي العسكري <small>عليه السلام</small> عن آبائه <small>عليهم السلام</small> : ان اباطالب كمؤمن آل فرعون يكتنم ايمانه.	فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابي طالب، ص ٣٦٢؛ یوسف بن حاتم، الدرّ النظیم، ص ٢٢٠.

<p>متدین</p>	<p>روی عن فاطمة بنت اسد <small>رضی الله عنها</small>: ... قال عبدالمطلب: ... يا اباطالب انى قد عرفت دياتك و امانتك.</p> <p>عن ابى عبدالله <small>عليه السلام</small>: فانه [يعنى ابوطالب] كان على دين الله.</p>	<p>راوندى، الخرائج و الجرائح، ج ١، ص ١٣٩؛ مجلسى، بحار الانوار، ج ١٧، ص ٣٦٣ و ج ٣٥، ص ٨٣.</p> <p>فخّار بن معد الموسوى، ايمان ابى طالب، ص ١٣٠؛ يوسف بن حاتم، الدرّ النظيم، ص ٢١٩؛ مجلسى، بحار الانوار، ج ٣٥، ص ١١٥.</p>
<p>مستجاب الدعوة</p>	<p>[قال ابوطالب]: يا رب! بحق هذا الغلام اسقنا غيثا مغيثا دائبا هطلا. فلم يلبث ساعة ان طبق السحاب وجه السماء و امطر حتى خافوا على المسجد.</p>	<p>ذهبي، تاريخ الاسلام، ج ١، ص ٥٣؛ طبرى، دلائل الامامة، ج ١، ص ٥٣.</p>
	<p>عن عرفة الجندعى قال: اذا ابوطالب قد خرج و حوله اغيطة من بنى عبدالمطلب و فى وسطهم غلام ايفع منهم كانه شمس ضحى تجلت عن غمامة قتماء فجاء حتى اسند ظهره الى الكعبة فاستجار بها و لاذ باصبعه و بصبست الاغيطة حوله و ما فى السماء قرعة فاقبل السحاب من هاهنا و هاهنا حتى لت و لف و اسحم و اقم و ارعد و اودق و انفجر به الوادى و افوعوم.</p>	<p>فخّار بن معد الموسوى، ايمان ابى طالب، ص ٣١٤.</p>
<p>نور آسمانى</p>	<p>[روى عن رسول الله <small>صلى الله عليه و آله و سلم</small>]: انه لما كانت الليلة التى اسرى بى فيها الى السماء انتهيت الى العرش فرايت اربعة انوار فقلت: الهى ما هذه الانوار؟ فقال: يا محمّد ... هذا عمك ابوطالب ...</p> <p>عن اميرالمؤمنين <small>عليه السلام</small>: ان نور ابى طالب يوم القيامة ليطفئ انوار الخلائق الا</p>	<p>فتال نيشابورى، روضة الواعظين، ج ١، ص ٨١؛ شعيرى، جامع الاخبار، ص ١٦؛ يوسف بن حاتم، الدرّ النظيم، ص ٢٣٤؛ مجلسى، بحار الانوار، ج ٣٥، ص ١٥.</p> <p>كراچكى، كنز الفوائد، ج ١، ص ١٨٣؛ ابن شاذان، مئة منقبة من</p>

مناقب امیرالمؤمنین، ص ۱۷۳؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۳۰.	خمسة انوار نور محمد و نور فاطمة و نور الحسن و الحسين و نور ولده من الائمة الا ان نوره من نورنا خلقه الله من قبل خلق آدم بالفى عام.	
فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابى طالب، ص ۱۲۲؛ یوسف بن حاتم شامی، الدرّ النظیم، ص ۲۱۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۱۴.	لامیر المؤمنین <small>علیه السلام</small> فى ابیه ابى طالب رضی الله عنه یرثیه: اباطالب عصمة المستجیر* و غیث المحول و نور الظلم.	
فَتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۷۷؛ مناقب آل ابى طالب، ج ۲، ص ۱۷۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۰.	[روى عن النبى <small>صلی الله علیه و آله</small>]: فسأل [یعنى رجل عابد راهب] ربّه ان یریه ولیا له؛ فبعث الله تبارك و تعالی بابى طالب.	ولی الله
فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابى طالب، ص ۱۴.	قال رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small> : الحمد لله الذى هداك یا عم.	هدایت شده
صدوق، اعتقادات امامیه، ص ۱۱۰.	و روى انّ عبدالمطلب كان حُجَّةً و اباطالب كان وصیته.	دارای مقام وصایت
کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۴۵، ح ۱۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۷۳.	سال ابا الحسن الاوّل <small>علیه السلام</small> : آ كان رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small> محجوجا بابى طالب؟ فقال: لا و لكنّه كان مستودعا للوصايا.	
رازى، روض الجنان، ج ۱۵، ص ۱۵۰.	از امام رضا <small>علیه السلام</small> روایت کردند از پدرانش به چند طریق که: نقش انگشتری ابوطالب این بود: رضیت بالله ربا و باین اخی محمد نبیا و باینی علی له وصیا.	مقام رضایت
ابن شهر آشوب، متشابه القرآن و مختلفه، ج ۲، ص ۶۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۶۳.	[قال رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small>]: اما والله لا استغفرن لك و لا شفعنّ فيك شفاعة يعجب لها الثقلان.	مورد شفاعت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>

<p>علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۸۰.</p>	<p>قال رسول الله <small>ﷺ</small>: لو قمت المقام المحمود لشفعت لابی و امی و عمی.</p>	
<p>الطوسی، الامالی، ص ۳۰۵ و ۷۰۲؛ کراجکی، کنز الفوائد، ج ۱، ص ۸۳؛ طبری آملی، بشارة المصطفی، ص ۲۰۲؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۳۰.</p>	<p>عن امیر المؤمنین علی <small>علیه السلام</small>: والذی بعث محمداً <small>ﷺ</small> بالحق نبیا، لو شفیع ابی فی کل مُذنب علی وجه الارض لشفعه الله فیهم.</p>	<p>شافع گنه کاران</p>
<p>کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۴۶؛ صدوق، الامالی، ص ۶۰۶؛ صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۳۷ و ۱۷۹؛ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۷؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۶۷.</p>	<p>عن ابی عبدالله <small>علیه السلام</small> قال: نزل جبرئیل <small>علیه السلام</small> علی النبی <small>ﷺ</small> فقال: یا محمد ان ربک یقرئک السلام و یقول: انی قد حرمت النار ... حجر کفک ... اما حجر کفک فحجر ابی طالب.</p>	<p>دور از آتش</p>
<p>ابن عقده، فضائل امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small>، ص ۱۴۳؛ ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۲۱۹ و ۲۲۵؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۹۰؛ مفید، کتاب المزار، ص ۸۱؛ کفعمی، البلد الامین، ص ۲۹۳؛ کفعمی، المصباح، ص ۴۷۸.</p>	<p>فی زیاره امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small>: اشهد انک طُهرٌ طاهرٌ مُطَهَّرٌ من طُهرٍ طاهرٍ مُطَهَّرٍ.</p>	<p>طهر و طاهر و مطهر</p>
<p>مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۲۵.</p>	<p>فی زیاره امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small>: اشهد انک الشجره الطیبه لم تزل بعین الله تتناسخ فی اصلاب المطهّرين و تنقل فی ارحام الطاهرات المطهّرات لم تدنسک الجاهلیة الجهلاء و لم تشرک فیک فتن الاهواء طبت و طاب منبتک.</p>	<p>مطهّر</p>

طاهر	[روى عن رسول الله ﷺ]: ثم اطلع الله جلت عظمته علياً من ظهر طاهر و هو ابوطالب.	فتال نيشابورى، روضة الواعظين، ج ١، ص ٧٧؛ يوسف بن حاتم، الدرّ النظيم، ص ٢٢٩؛ مجلسى، بحار الانوار، ج ٣٥، ص ١٠.
دشمن بت پرستى	با عن أمنة بنت ابى سعيد السهمى: امتنع ابوطالب من اتيان اللات و العزى بعد رجوعه من الشام فى المرة الاولى حتى وقع بينه و بين قريش كلام كثير.	يوسف بن حاتم، الدرّ النظيم، ص ٨٤؛ على بن يوسف، العدد القوية، ص ١٣١.
صاحب كرامت	عن ابى عبدالله عليه السلام قال: لما ولد النبى ﷺ مكث اياما ليس له لبن فالفاه ابوطالب على ثدى نفسه فانزل الله فيه لبنا فوضع منه.	كلينى، الكافى، ج ١، ص ٤٤٨؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابى طالب، ج ١، ص ٣٢؛ بحراني، حلية الابرار، ج ١، ص ٢٩؛ مجلسى، بحار الانوار، ج ١٥، ص ٣٤٠.
پيشگويى نسبت به اينده	فقال لها [يعنى فاطمه بنت اسد عليه السلام] ابوطالب: و تتعجبين من هذا؟ انك تحبلين و تلدين بوصيته و وزيره.	كلينى، الكافى، ج ١، ص ٤٥٤؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابى طالب، ج ١، ص ٣٢؛ يوسف بن حاتم، الدرّ النظيم، ص ٢١٠.
	فقال ابوطالب لها [يعنى فاطمه بنت اسد عليه السلام]: اصبرى سبتا ابشرك بمثله الا النبوة.	كلينى، الكافى، ج ١، ص ٤٥٢؛ شريف الرضى، خصائص الائمة، ص ٦٤؛ مجلسى، بحار الانوار، ج ٣٥، ص ٦.
	فقال لها [يعنى فاطمه بنت اسد عليه السلام] ابوطالب: الا ابشرك؟ فقالت: بلى. فقال: اما انك ستلدين غلاما يكون وصى هذا المولود.	كلينى، الكافى، ج ٨، ص ٣٠٢؛ بحراني، حلية الابرار، ج ١، ص ٢٨؛ مجلسى، بحار الانوار، ج ١٥، ص ٢٩٥.
	عن ابن القبطية قال: كان ابوطالب توضع له وسادة بالبطحاء مثنية يتكى عليها. فجاء النبى ﷺ. فبسطها ثم استلقى	ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ١، ص ٩٦.

	<p>علیها. قال: فجاء ابوطالب فاراد ان يتكئ علیها فسال عنها فقالوا: اخذها ابن اخيك. فقال: و حل البطحاء ان ابن اخی هذا لیحسن بنعیم.</p>	
<p>فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۷۸؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۷۳؛ یوسف بن حاتم، الدرّ النظیم، ص ۲۳۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۲.</p>	<p>فقال [یعنی ابوطالب (ع)]: لهم ابشروا فقد ظهر فی هذه الليلة ولی من اولیاء الله یكمل الله فیهِ خصال الخیر و یختم به الوصیین.</p>	

جناب ابوطالب (ع) نه تنها مسلمان و مؤمن بلکه از افرادی بود که بالاترین درجه‌های ایمانی را داشت. او دارای نوری آسمانی و مقام‌هایی همچون ولی الله، وصایت، شافع گنه‌کاران، مصون از آتش، پاک و پاکیزه، متدین و مستجاب الدعوة بود. به خاطر پیشبرد اسلام دینش را کتمان کرد ولی با بت‌پرستی دشمنی داشت. به خاطر همین خصلت‌های ویژه، مورد شفاعت پیامبر (ص) واقع شده و صاحب کرامات بسیاری گردید. مطابق روایات، کسی که به ایمان او اقرار نداشته باشد جایگاهی جهنمی خواهد داشت.

۳. خصوصیات اخلاقی

عموی پیامبر (ص) علاوه بر تدین ویژه خود، خصوصیات اخلاقی منحصر به فردی نیز داشت. در دورانی که کشتن اطفال و عهدشکنی و ظلم به دیگران افتخار محسوب می‌شد، این مرد الهی با اخلاق عظیم خود به دیگران سرمشق نیک خلقی می‌داد. در ادامه فهرستی از خصوصیات اخلاقی حضرت ابوطالب (ع) آورده می‌شود:

منبع	عبارت	ویژگی
<p>مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۳۴؛ فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی طالب، ص ۳۳۴.</p>	<p>قیل لاکنتم: ممن تعلّمت الحکمة و الریاسة و الحلم و السیادة؟ فقال: من حلیف العلم و الادب سید العجم و العرب ابی طالب بن عبدالمطلب.</p>	<p>حکیم</p>
<p>ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۶۰؛ بحرانی، حلیة الابرار، ج ۱، ص ۱۲۰؛</p>	<p>جاء ابوطالب ... ثم قال: یا ابن اخی من الفاعل بك هذا؟ قال: عبدالله. فاخذ ابوطالب فرثا و دما و القی علیه.</p>	<p>شجاع</p>

مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۸۷ و ج ۳۵، ص ۸۹.		
ابن طاووس، الطرائف، ج ۱، ص ۳۰۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۴۸.	فقال [ابوطالب]: يا بني هاشم اظنّ انّ بعض قريش اغتال محمدا فقتله فليأخذ كلّ واحد منكم حديدة صارمة و ليجلس الى جنب عظيم من عظماء قريش فاذا قلت ابغى محمدا، فليقتل كل واحد منكم الرجل الذي الى جانبه.	
شرح نهج البلاغة، ج ۱۰، ص ۷۸.	قال [رسول الله ﷺ]: لو ولد ابوطالب الناس كلهم لكانوا شجعانا.	
عدهای از علماء، مجموعه نفیسه فی تاریخ الائمه، ص ۱۶۳.	عن الصادق عليه السلام: انّ فاطمة ابنة اسد قالت: لما حملت بعلى رانى رسول الله ﷺ و سلم بعد اربعة اشهر فقال: انّ معك حملا يا امّاه؟ قلت: نعم، قال: ان ولدتيه ذكرا فهيبه لى ... فسمعه ابوطالب فقال: ... ان ولدت ذكرا او انثى فهو لك.	بخشنده
كلينى، الكافى، ج ۵، ص ۳۷۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۴.	عن ابى عبدالله عليه السلام قال: لما اراد رسول الله ﷺ ان يتزوج خديجة ... قال ابوطالب: له فى خديجة رغبة و لها فيه رغبة و قد جئناك لنخطبها اليك برضاها و امرها و المهر علىّ فى مالى الذى سالتموه عاجله و اجله.	
مسعودى، اثبات الوصية، ص ۱۴۴.	كان ابوطالب رجلا جوادا معطاء سمحا فقلّ ماله و كثر عياله و اجحفت السنة بحاله.	
فتال نيشابورى، روضة الواعظين، ج ۱، ص ۸۱؛ شعيرى، جامع الاخبار، ص ۱۶؛ يوسف بن حاتم، الدرّ النظيم، ص ۲۳۴؛	[روى عن رسول الله ﷺ]: انه لما كانت الليلة التى اسرى بى فيها الى السماء انتهيت الى العرش فرايت اربعة انوار فقلت: الهى ما هذه الانوار؟ فقال: يا محمد ... هذا	صابر

مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۵.	عمک ابوطالب ... فيما ذا نالوا هذه الدرجة؟ قال: بکتمانهم الايمان... صبرهم على ذلك.	
راوندى، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۳۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۳۶۳ و ج ۳۵، ص ۸۳.	روى عن فاطمة بنت اسد <small>رضی الله عنها</small> : ... فقال عبدالمطلب: ... يا اباطالب انى قد عرفت ديانتك و امانتك.	امانت دار
مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۳۴؛ فخّار بن معد الموسوی، ايمان ابى طالب، ص ۳۳۴.	قیل لاکنتم: ممن تعلّمت الحكمة و الرياسة و الحلم و السيادة؟ فقال: من حليف العلم و الادب سيد العجم و العرب ابى طالب بن عبدالمطلب.	صاحب حکمت، بردبارى، علم و ادب
ابن شهر آشوب، مناقب آل ابى طالب، ج ۱، ص ۳۵؛ يوسف بن حاتم، الدرّ النظيم، ص ۲۱۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۸۵.	قال الاوزاعى: [قال] عبدالمطلب: ... محمّد یتیم فاووه و عائل فاغنوه احفظوا وصيتى فيه. فقال ابو لهب: انا له. فقال: كفة شرك عنه. فقال العباس: انا له. فقال: انت غضبان لعلك تؤذيه. فقال ابوطالب: انا له. فقال: انت له ... فامسكه ابوطالب فى حجره.	تمایز اخلاقى نسبت به ساير فرزندان عبدالمطلب
فخّار بن معد الموسوی، ايمان ابى طالب، ص ۱۳۰؛ يوسف بن حاتم، الدرّ النظيم، ص ۲۱۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۵.	عن ابى عبدالله <small>رضی الله عنه</small> : كان امير المؤمنين <small>رضی الله عنه</small> يعجبه ان يروى شعر ابى طالب و ان يدون و قال: ... فيه علم كثير.	دارای علم زیاد در شعر و گفتار
فخّار بن معد الموسوی، ايمان ابى طالب، ص ۱۷۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۸.	ان رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small> قال لعقيل بن ابى طالب: انا احبّك يا عقيل حبين؛ حبّا لك و حبّا لابی طالب لانه كان يحبّك.	فرزند دوست
يعقوبی، تاريخ يعقوبی، ج ۱، ص ۲۵۰.	فقال عبدالمطلب لابنه ابى طالب: اى بنى! قد اطعمت الناس، فانطلق بهذه الجزائر، فانحرها على ابى قبيس، حتّى ياكلها الطير و السباع، ففعل ابوطالب ذلك، فاصابها الطير و السباع. قال ابوطالب: و نطعم حتّى	راحم به حيوانات

یاکل الطیر فضلنا * اذا جعلت ایدی المفیضین ترعد	
---	--

در دوران منش‌های غلط و فاسد عرب جاهلی، خصلت‌های زیبای ابوطالب علیه السلام همچون نگینی می‌درخشد. او فردی حکیم، شجاع، بخشنده، صابر، امانت‌دار، صاحب علم و ادب، فرزند دوست و رحم‌کننده به حیوانات بود. این ویژگی‌های اخلاقی ایشان را نسبت به سایر عموهای پیامبر صلی الله علیه و آله متمایز می‌سازد.

۴. مشخصه‌های ظاهری

ابوطالب علیه السلام نه تنها در سیرت، بلکه در ظاهر نیز شخصی با کمالات بود. او فردی زیباروی و با ابهت بود که در مناسبت‌ها به ایراد سخنرانی و شعر می‌پرداخت. بسیاری از اشعار او در موضوع حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله است. جدول زیر گزاره‌هایی است که در رابطه با مشخصه‌های ظاهری ایشان نقل شده است:

منبع	عبارت	ویژگی
قمی، سفینه البحار، ج ۵، ص ۳۱۷.	عن النبی <small>صلی الله علیه و آله</small> : کان ابوطالب شیخا جسیما و سیما علیه بهاء الملوك و وقار الحكماء.	زیباروی و تنومند
علی بن حسین ابن بابویه، الامامة و التبصرة، ص ۳۴.	قال [رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small>]: یحشر ابوطالب <small>علیه السلام</small> یوم القيامة فی زی الملوك و سیما الانبیاء <small>علیهم السلام</small> .	دارای هیبت پادشاه و سیمای انبیاء در قیامت
قمی، سفینه البحار، ج ۵، ص ۳۱۷.	عن النبی <small>صلی الله علیه و آله</small> : کان ابوطالب شیخا جسیما و سیما علیه بهاء الملوك و وقار الحكماء.	دارای ابهت پادشاهانه و وقار حکیمانه
کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۷۴؛ ابن ابی جمهور، عوالی اللالی، ج ۳، ص ۲۹۸.	عن ابی عبدالله <small>علیه السلام</small> قال: ... ابتدا ابوطالب بالكلام فقال: الحمد لربّ هذا البيت الذی جعلنا من زرع ابراهیم و ذریة اسماعیل ...	سخنران و خطیب
ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۷۱؛	خطب ابوطالب فی نکاح فاطمة بنت اسد: الحمد لله ربّ العالمین ربّ العرش العظيم.	

مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۹۸.		
بیهقی، دلائل النبوة، ج ۱، ص ۱۶۱.	عن علی بن زید قال: ... اجتمعوا، فتذاکروا ایّ بیت احسن فیما قالته العرب؟ قالوا: الذی قاله ابوطالب للنبی ﷺ: و شقّ له من اسمه کی یجلّه* فذو العرش محمود و هذا محمّد.	بهترین شاعر و سخنور
طبرسی، اعلام الوری، ص ۸.	عن سفیان بن عیینة أنه قال: احسن بیت قالته العرب قول ابی طالب للنبی ﷺ: و شقّ له من اسمه کی یجلّه* فذو العرش محمود و هذا محمّد	

بنا بر نقل‌های تاریخی و روایی ابوطالب (ع) فردی زیباروی و تنومند و دارای هیبتی پادشاه گونه و وقاری حکیمانه بود. او سخنران و خطیبی متبحر و صاحب بهترین اشعار و خطبه‌ها بود. مطابق روایات، این جلال و شکوه منحصر در دنیا نبوده و ایشان دارای سیمای انبیاء و هیبتی ملوکانه در قیامت نیز هست.

ب) ویژگی‌های اجتماعی

حضرت ابوطالب (ع) علاوه بر سیره نیکوی فردی، ویژگی‌های اجتماعی ویژه‌ای نیز داشت. ایشان مقبول همه عرب و به‌خصوص شهر مکه بود. این مقبولیت به خاطر انجام کارهایی مانند رسیدگی به فقرا و نیازمندان، حمایت از ضعیفان و بخشش فوق‌العاده بود. این ویژگی‌های اجتماعی حضرت ابوطالب (ع) موجب شد تا بسیاری از طریق ایشان به اسلام هدایت شوند. این خصلت‌ها در سه عنوان «مناصب اجتماعی»، «ویژگی‌ها در رفتار با مردم» و همچنین «خصوصیات ایشان در ارتباط با پسر برادر خویش» قابل تقسیم است. در ادامه این ویژگی‌ها در سه فصل ارائه می‌شوند:

۱. مناصب اجتماعی

مکّیان به خصوص قریش به موضوع ریاست اهمّیت می‌دادند و به همین دلیل مقام‌های بسیاری در بین ایشان وجود داشت. مناصبی مانند ریاست مکه، سقایت، رفادت و ... از مقام‌هایی بودند که بر عهده افراد خاصی گذاشته می‌شد و در نزد همگان بسیار پرارزش بود. در این میان مناصب متعدّدی بر عهده حضرت عبدالمطلب (ع) بود. گفتنی است که پس از رحلت عبدالمطلب با اینکه

ابوطالب عليه السلام دارای مال چندانی نبود و حتی نسبت به برخی برادرانش سطح مادی پایین تری داشت، متصدی بسیاری از مناصب اجتماعی آن دوره گردید. در ادامه فهرستی از مقام‌های ایشان ارائه می‌گردد:

منبع	عبارت	ویژگی
مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۳۴؛ فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی طالب، ص ۳۳۴.	قیل لا کثم: ممّن تعلّمت الحکمة و الریاسة و الحلم و السیادة؟ فقال: من حلیف العلم و الادب سید العجم و العرب ابی طالب بن عبدالمطلب.	سیادت و ریاست در عین فقر
یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴.	قال علی بن ابی طالب: ابی ساد فقیرا و ما ساد فقیر قبله.	
یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴.	کان ابوطالب سیدا شریفا مطاعا مهیبا مع املاقه.	
بلادری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۷.	قالوا: و اقترع بنو عبد مناف علی الرفادة والسقایة، فصارتا لهاشم بن عبد مناف ... ثم لابی طالب.	مقام سقایت و مهمانداری حاجیان
ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۱۵، ص ۲۱۹.	قال الزبیر: ابوطالب اول من سن القسامة فی الجاهلیة فی دم عمرو بن علقمة ثم اثبتتها السنّة فی الاسلام.	قاضی و حکم‌دهنده
مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۳۴؛ فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی طالب، ص ۳۳۴.	قیل لا کثم: ممّن تعلّمت الحکمة و الریاسة و الحلم و السیادة؟ فقال: من حلیف العلم و الادب سید العجم و العرب ابی طالب بن عبدالمطلب.	سید عرب و عجم
ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۱، ص ۲۹.	ما اقول فی رجل ابوه ابوطالب سید البطحاء و شیخ قریش و رئیس مکه و بیضة البلد.	صاحب القابی چون: سید بطحاء، شیخ قریش، رئیس مکه، بیضة البلد

مقبولیت عمومی یکی از ویژگی‌های جناب ابوطالب عليه السلام است که در پیشبرد اسلام بسیار مؤثر بود. مردم مکه او را رئیس و سید خود می‌دانستند. در دوره‌ای سقایت و مهمانداری حاجیان بر عهده

وی بود و به همین جهت سید عرب و عجم محسوب می‌شد. مردم مکه برای اختلافات خود به ایشان رجوع می‌کردند و گاهی او احکام جدیدی برایشان وضع می‌نمود. جالب اینکه حکم قسامه را او وضع کرد و سپس مورد تایید اسلام واقع شد.

۲. در رفتار با مردم

ابوطالب (ع) در عین داشتن مقام‌های اجتماعی بالا هیچ‌گاه مردم را پایین دست خود نمی‌دید و نسبت به آنها تکبر نداشت. تاریخ نقل کرده که او نسبت به دیگران مهربان بوده، به افراد می‌بخشید و در پی صلاح مردم بود. در ادامه خصوصیت‌های ایشان در حوزه رفتار با مردم بیان می‌شود:

منبع	عبارت	ویژگی
بحرانی، حلیة الابرار، ج ۱، ص ۹۸.	قال ابوطالب: اللهم انّ قومنا ابی النصر علینا فجعّل نصرنا.	دعاکننده برای دیگران
فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۷۸؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۷۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱.	[قال رسول الله ﷺ]: ارتجت الارض و زلزلت بهم اياما حتّى لقيت قریش من ذلك شدة و فزعوا ... فصعد ابوطالب الجبل ... فبکی ابوطالب و رفع الی الله تعالی یدیه و قال: الہی و سیدی اسالك بالمحمّدية المحمودة و بالعلویة العالیة و بالفاطمیة البیضاء الا تفضلت علی تهامة بالرافة و الرحمة.	
طوسی، الامالی، ص ۷۰۹؛ علوی، کتاب العتیق، ص ۵۰؛ بحرانی، حلیة الابرار، ج ۲، ص ۲۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۳۲.	عن ابی عبدالله جعفر بن محمد عن ابائه (ع) قال: نحر [ابوطالب] ثلاث مائة من الابل و الف راس من البقر و الغنم و اتخذ ولیمة عظیمة و قال: ایها الناس من اراد منکم ان یتناول من طعام علی (ع)؟	اطعام عظیم دیگران
مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۷۲.	عمل ابوطالب ولیمة عظیمة و وقف النبی ﷺ و شد وسطه و الزم نفسه خدمة جمیع الناس و اقام لاهل مکه الولیمة ثلاثة ايام و اعمام النبی ﷺ تحته فی الخدمة.	

<p>کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۳۴؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۲۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۲۹۴.</p>	<p>عن ابی عبدالله عن ابیه <small>علیه السلام</small> قال: عق ابوطالب عن رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small> یوم السابع و دعا آل ابی طالب.</p>	
<p>ابن اسحاق، السیر و المغازی، ج ۱، ص ۱۶۴؛ ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۵.</p>	<p>فرّ ابو سلمة بن عبدالاسد بن هلال بن عبدالله بن عمر بن مخزوم الی ابی طالب لیمنعه، وکان خاله فجاءت بنو مخزوم لیاخذوه، فمنعهم.</p>	<p>حامی ضعیفان</p>
<p>بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۷.</p>	<p>لم یکن له [یعنی ابوطالب <small>علیه السلام</small>] مال، فادان من اخیه العباس بن عبدالمطلب عشرة آلاف درهم، فانفقها.</p>	<p>بخشنده</p>
<p>مسعودی، اثبات الوصیة، ص ۱۳۵.</p>	<p>و کان ابوطالب محترما معظما کثافا للکروب غیر هذر و لا مکنار و لا عاقّ بل برّ و صول، جواد بما یملك، سمح بما یقدر، لا یتنیه عن مبادرة الخطاب و جل و لا یدرکه لدى الخصام ملل.</p>	<p>دارای احترام عمومی، برطرف کننده اندوه، کم حرف، باعاطفه، مراعات کننده دیگران، نیکوکار در حدّ توان، بیان کننده حق</p>
<p>یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۵.</p>	<p>قد روی ان اباطالب [فی حرب الفجار] منع ان یكون فیها احد من بنی هاشم و قال: هذا ظلم و عدوان و قطیعة و استحلال للشهر الحرام و لا احضره و لا احد من اهلی.</p>	<p>مخالف خونریزی</p>
<p>راوندی، قصص الانبیاء، ص ۳۲۹؛ بحرانی، حلیة الابرار، ج ۱، ص ۸۵؛ اعلام الوری، ص ۵۲.</p>	<p>فقال لهم [یعنی قریش] ابوطالب: یا قوم اتقوا الله و کفّوا عما انتم علیه فتفرّق القوم و لم یتکلم احد و رجع ابوطالب الی الشعب.</p>	<p>موعظه گر به تقوا، اهل صلّه رحم، ترک گناه و فساد، کمک کردن به</p>

<p>مستمندان، نیکی در گفتار، امانت‌داری، پرهیز از برخورد نامناسب با مردم</p>	<p>قال ابو عبدالله الصادق <small>علیه السلام</small>: لما حضرت اباطالب رضی الله عنه الوفاة جمع وجوه قریش فاوصاهم فقال: صلوا ارحامکم ففی صلتها منساة فی الاجل و زیادة فی العدد و اتركوا العقوق و البغی ففیهما هلکت القرون قبلکم اجیبوا الداعی و اعطوا السائل فان فیهما شرفا للحیة و الممات علیکم بصدق الحدیث و اداء الامانة فان فیهما نفیا للتهمة و جلاله فی الاعین اقلوا الخلاف علی الناس و تفضلوا علیهم بالمعروف فان فیهما محبة للخاصة و مکرمة للعامة و قوّة لاهل البيت.</p>	<p>قتال نیشابوری، روضه الواعظین، ج ۱، ص ۱۴۰؛ فخار بن معد الموسوی، ایمان ابی طالب، ص ۳۲۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۰۶.</p>
---	---	--

پدر امیرالمؤمنین، جناب ابوطالب علیه السلام نسبت به رفتارش با مردم بسیار دقیق بود. بخشنده و حامی ضعیفان بود. سفره‌های بزرگ پهن می‌نمود و خیل مردم را برای اطعام دعوت می‌کرد. برای عموم مردم دعا می‌نمود و مخالف خونریزی و دوستدار صلح بود. نسبت به عموم مردم باعطفه بوده و حق دیگران را مراعات می‌نمود. به همین خاطر دارای احترامی عمومی گردید. او به مناسبت‌های گوناگون به موعظه مردم می‌پرداخت و آنها را به تقوا، عمل صالح، ترک گناه و فساد، کمک کردن به مستمندان، نیکی در گفتار، امانت‌داری و پرهیز از رفتار بد سفارش می‌کرد. چنین برخورد زیبایی با مردم موجب پیشبرد اسلام از طریق ایشان در شبه جزیره عربستان شده است.

۳. در ارتباط با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

در بین اطرافیان، ابوطالب علیه السلام علاقه ویژه‌ای به برادرزاده خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داشت. عبدالله پدر بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با ایشان از یک مادر بودند. همچنین عبدالمطلب هنگام رحلت، به ابوطالب در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سفارش نموده و کفالتش را به وی سپرد؛ اما علاقه ابوطالب علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عاملی قوی‌تر داشت و آن، اخلاق و منش نیک پسر برادرش بود. چنانچه به عبدالمطلب گفت مرا به محمد صلی الله علیه و آله و سلم وصیت نکن چراکه او پسر من و پسر برادر من است. در ادامه، ویژگی‌های ذکرشده درباره نحوه تعامل و برخورد ایشان با پیامبر بیان می‌شود:

منبع	عبارت	ویژگی
حسینی، تسلیة المجالس، ج ۱، ص ۲۶۸؛ بحرانی، حلیة الابرار، ج ۲، ص ۲۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۲۹۴.	كان ابوطالب و فاطمة بنت اسد ربيّا النبي ﷺ.	مرتبى پیامبر ﷺ
صدوق، الامالی، ص ۲۴۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۶۸.	[عن رسول الله ﷺ]: يا عمّ كفلت يتيما و ربيّت صغيرا و نصرت كبيرا، فجزاك الله عنّي خيرا.	
فخّار بن معد الموسوی، ايمان ابی طالب، ص ۱۴۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۷.	عن محمّد بن علی الباقر عليه السلام: شعره فی دیوانه يدلّ علی ... تربیته.	
ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۷؛ یوسف بن حاتم، الدرّ النظیم، ص ۲۰۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۸۴.	[فقال الاسد لابی طالب]: انّما انت ابو اسد الله ناصر نبی الله و مرّیبه.	
یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴.	فكفل رسول الله بعد وفاة عبدالمطلب ابوطالب عمّه، فكان خير كافل.	كافل رسول الله ﷺ
مسعودی، اثبات الوصیة، ص ۱۳۵.	فلما مات عبدالمطلب كفل ابوطالب رسول الله ﷺ باحسن كفالة و حنّ علیه و داب فی حیاطته و تمسك به و التحف علیه و عطف علی جوانبه.	
صدوق، الامالی، ص ۲۴۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۶۸.	[عن رسول الله ﷺ]: يا عمّ كفلت يتيما ...	
طبرسی، اعلام الوری، ص ۹؛ اربلی، كشف الغمة، ج ۱، ص ۱۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۵۳۰.	كفله عمّه ابوطالب بعد وفاة عبدالمطلب.	

<p>ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۸۴.</p>	<p>عن ابن عباس: [قال رسول الله ﷺ في صغر سنّه]: انا محمد بن عبد الله انا يتيم لا اب لي و لا ام. فعانقه ابوطالب و قبله ثم البسه جيّة مصرية و دهن راسه و شدّ ديناراً في ردائه و نشر قبله تمراً.</p>	<p>یتیم نواز نسبت به پیامبر ﷺ</p>
<p>فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی طالب، ص ۱۴۳ و ۳۷۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۷.</p>	<p>عن الائمة الراشدين من آل محمد ﷺ: انا و كافل اليتيم كهاتين في الجنة. فقالوا: اراد بكافل اليتيم عمّه اباطالب لانه كفله يتيما من ابويه و لم يزل شفيقا عليه.</p>	
<p>طبرسی، اعلام الوری، ص ۹؛ اربلی، كشف الغمة، ج ۱، ص ۱۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۵۳۰.</p>	<p>كفله عمّه ابوطالب بعد وفاة عبدالمطلب فكان يكرمه و يحميه و ينصره بيده و لسانه ايام حياته.</p>	<p>اکرام کننده پیامبر ﷺ</p>
<p>ابن طاووس، الطرائف، ج ۱، ص ۳۰۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۵۱.</p>	<p>سمعت اباطالب رضی الله عنه قال: سمعت ابن اخی الامين يقول اشكر ترزق و لا تكفر فتعذب.</p>	<p>راوی از پیامبر ﷺ</p>
<p>فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی طالب، ص ۱۳۶؛ یوسف بن حاتم، الدرّ النظیم، ص ۲۰۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۶.</p>	<p>اباطالب يقول: حدّثني محمد بن عبدالله ﷺ ان ربّه بعثه بصلة الارحام و ان يعبدالله وحده لا شريك له و لا يعبد سواه و محمد الصدوق الامين.</p>	
<p>ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۷؛ یوسف بن حاتم، الدرّ النظیم، ص ۹۱؛ علی بن یوسف، العدد القویة، ص ۱۴۱.</p>	<p>قال ابوطالب: لقد كنت كثيرا ما اسمع منه اذا ذهب من الليل كلاما يعجبنى و كُنّا لا نسّمی على الطعام و لا على الشراب حتّى سمعته يقول: بسم الله الاحد. ثم ياكل فاذا فرغ من طعامه قال: الحمد لله كثيرا.</p>	<p>نقل کننده ویژگی‌های پیامبر ﷺ</p>
<p>ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۵۳؛ طبری، دلائل الامامة، ج ۱، ص ۵۳.</p>	<p>[قال ابوطالب]: يا رب! بحق هذا الغلام اسقنا.</p>	<p>توسّل کننده به پیامبر ﷺ</p>

		(عارف به مقام ایشان)
عده‌ای از علماء، مجموعه نفیسه فی تاریخ الائمة، ص ۱۶۳.	عن الصادق <small>عليه السلام</small> : ان فاطمة ابنة اسد قالت لما حملت بعلى: رانى رسول الله <small>صلى الله عليه وآله</small> بعد اربعة اشهر فقال: ان ولدته ذكرا فهببه لى ... فسمعه ابوطالب فقال: عزيزى انا غلامك و فاطمة جاريتك ان ولدت ذكرا او انثى فهو لك.	خاضع و خاشع نسبت به پیامبر <small>صلى الله عليه وآله</small>
على بن ابراهيم، تفسير قمى، ج ۱، ص ۳۸۰.	فروى انه [ابوطالب] لم يخرج من الدنيا حتى اعطى رسول الله الرضى.	مورد رضایت پیامبر <small>صلى الله عليه وآله</small>
فخار بن معد الموسوى، ايمان ابى طالب، ص ۱۰۹ و ۳۷۴؛ مجلسى، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۳ و ج ۳۵، ص ۱۵۹.	عن ابى عبدالله جعفر بن محمد <small>عليه السلام</small> قال: ما مات ابوطالب حتى اعطى رسول الله <small>صلى الله عليه وآله</small> من نفسه الرضا.	
ابن جوزى، تذكرة الخواص، ص ۱۹ باب ۱؛ ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۹۹؛ ابن عساکر، تاريخ دمشق، ج ۶۶، ص ۳۶۶، ش ۸۶۱۳؛ سيوطى، الدر المنثور، ج ۳، ص ۵۰۶.	لما توفى ابوطالب اخبرت رسول الله ... فقال: ... غفر الله له و رجمه.	دعاشده توسط پیامبر <small>صلى الله عليه وآله</small>
صدوق، الامالى، ص ۲۴۳؛ مجلسى، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۶۸.	[روى عن رسول الله <small>صلى الله عليه وآله</small>] قال: جزاك الله عنى خيرا.	
كراچكى، كنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۸۴؛ ابن طاووس، الطرائف، ج ۱، ص ۳۰۵؛ ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغة، ج ۱۴، ص ۶۸.	عن عبدالله العباس انه سال رسول الله <small>صلى الله عليه وآله</small> فقال: ما ترجو لابى طالب؟ قال: كل الخير ارجو من ربى.	

<p>شیخ طوسی، الامالی، ص ۷۵؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۳ و ۱۳۷؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۳۹.</p>	<p>[قال] رسول الله ﷺ: لَئِلهِ دَرُّ ابی طالبٍ، لَوْ كانَ حَيًّا لَفَرَّتْ عَينُهُ.</p>	
<p>راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۰.</p>	<p>انّ اباطالب مرض فدخل عليه رسول الله ﷺ فقال: يا ابن اخ ادع ربك الذي تعبد ان يعافيني. فقال النبي ﷺ اللهم اشف عمي.</p>	
<p>ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۸۴.</p>	<p>عن ابن عباس: وقع بين ابی طالب و بين يهودی كلام و هو بالشام فقال اليهودی: لم تفخر علينا و ابن اخيك بمكة يسال الناس فغضب ابوطالب و ترك تجارته.</p>	<p>غيرتمند نسبت به وضع مالی پیامبر ﷺ</p>
<p>راوندی، قصص الانبياء، ص ۳۱۷؛ حلبی، السيرة الحلبیة، ج ۱، ص ۳۵۳.</p>	<p>روى ان اباطالب رضى الله عنه توفى عنه فى اخر السنة العاشرة من مبعث رسول الله ﷺ ... فسّمى رسول الله ﷺ ذلك العام عام الحزن فقال: ما زالت قريش قاعدة عنى حتى مات ابوطالب.</p>	<p>فقدان او موجب ناراحتی پیامبر ﷺ</p>
<p>ابن حنون، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۷.</p>	<p>كان رسول الله ﷺ يقول: ما اغتممتُ بغمٍّ ايام حياة ابی طالب.</p>	
<p>طوسی، الامالی، ص ۶۳؛ اربلی، كشف الغمة، ج ۱، ص ۴۰۲؛ بحرانی، حلیة الابرار، ج ۱، ص ۱۴۰.</p>	<p>فلما مات ابوطالب ... قال ﷺ: ما اسرع ما وَجَدْتُ فُقدَكَ يا عمّ.</p>	
<p>فخّار بن معد الموسوی، ايمان ابی طالب، ص ۲۴۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۲۷.</p>	<p>قال ابوجهم بن حذيفة: لقد حزن عليه رسول الله ﷺ.</p>	
<p>يعقوبی، تاريخ يعقوبی، ج ۲، ص ۳۵.</p>	<p>روى: لما قيل لرسول الله: انّ اباطالب قد مات، عظم ذلك فى قلبه و اشتد له جزعه</p>	

	ثم دخل فمسح جبينه الايمن اربع مرات و جبينه الايسر ثلاث مرات ثم قال: يا عمّ رَبِّيتَ صغيراً و كفلت يتيماً و نصرت كبيراً.	
يعقوبى، تاريخ يعقوبى، ج ۲، ص ۳۵.	[روى عن رسول الله ﷺ]: اجتمعت على هذه الامة فى هذه الايام مصيبتان لا ادرى بايهما انا اشدّ جزعا، يعنى مصيبة خديجة و ابي طالب.	
ابن جوزى، تذكرة الخواص، ص ۱۹، باب ۱؛ ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۹۹؛ ابن عساکر، تاريخ دمشق، ج ۶۶، ص ۳۶۶؛ سيوطى، الدرّ المنثور، ج ۳، ص ۵۰۶.	روى: لما توفى ابوطالب اخبرت رسول الله فبكا بكاء شديداً.	
عياشى، تفسير العياشى، ج ۱، ص ۲۵۷؛ كلينى، الكافى، ج ۸، ص ۳۴۰؛ حلى، مختصر البصائر، ص ۳۴۵.	على بن الحسين عله السلام قال: كانت خديجة ماتت قبل الهجرة بسنة و مات ابوطالب بعد موت خديجة بسنة، فلما فقدتهما رسول الله ﷺ سئم المقام بمكة و دخله حزن شديد.	
يوسف بن حاتم، الدرّ النظيم، ص ۹۰؛ على بن يوسف، العدد القوية، ص ۱۴۶؛ مجلسى، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۳۶۰.	حدث العباس عن ابي طالب قال ابوطالب: يا عباس الا اخبرك عن محمد ﷺ بما رايت منه. قلت: بلى. قال: انى ضمته الىّ فلم افارقه فى ليل و لا نهار و كنت انومه فى فراشى و امره ان يخلع ثيابه و ينام معى.	دوست‌دار و محبّ پیامبر ﷺ
مجلسى، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۸۳؛ الانوار فى مولد النبى، ص ۹۰.	فلما ولد النبى ﷺ كان يحبه ابوطالب حبّاً شديداً و يقول له: فدتك نفسى يا ابن اخى يا ابن الذبيحين اسماعيل و عبدالله.	
ابن شهر آشوب، مناقب آل ابى طالب، ج ۱ ص ۳۶؛	ابو سعيد الواعظ فى كتاب شرف المصطفى: فلما توفى عبدالمطلب كان	

<p>مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۸۶.</p>	<p>ابوطالب یوثره بالنفقة و الكسوة على نفسه و على جميع اهله.</p>	
<p>فخّار بن معد الموسوی، ایمان، ابی طالب، ص ۱۴۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۷.</p>	<p>عن محمد بن علی الباقر (ع): شعره فی دیوانه يدلّ علی ایمانه ثم محبّته.</p>	
<p>ابن شاذان، الفضائل، ص ۴۸.</p>	<p>قال الواقدي: كان ابوطالب يحبّ رسول الله (ص) محبة لم ير مثلها و كان ينومه بجنبه و يوسده يمينه و يديره يساره و اذا قام بالليل قام معه و اذا اراد ان ينام ينزعه ثيابه و يعريه و ياخذه في فراشه و كان يحبّ ان يلتزق جلده بجلده لمحبتته له و ليرضى الله تعالى بذلك و كان اذا دخل جوف الفراش لا يصير بينه و بين النبي (ص) حاجز حتى يختلط بدنه ببدنه.</p>	
<p>فخّار بن معد الموسوی، ایمان، ابی طالب، ص ۱۷۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۸.</p>	<p>ان رسول الله (ص) قال لعقيل بن ابی طالب: انا احبّك يا عقيل حبين حبا لك و حبا لابی طالب لانه كان يحبّك.</p>	<p>محبوب پیامبر (ص)</p>
<p>کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۷۴؛ ابن ابی جمهور، عوالی اللالی، ج ۳، ص ۲۹۸.</p>	<p>ابی عبدالله (ع) قال: لما اراد رسول الله (ص) ان يتزوج خديجة بنت خويلد اقبل ابوطالب في اهل بيته و معه نفر من قريش حتى دخل على ورقة بن نوفل ...</p>	<p>واسطه ازدواج پیامبر (ص)</p>
<p>مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲.</p>	<p>[قال ابوطالب (ع) للنبي (ص)]: اريد ان ارى لك زوجة تسرّ قلبي يا ولدي لتسكن اليها و معيشة يرجع نفعها اليك.</p>	<p>خوشحال از ازدواج پیامبر (ص)</p>
<p>کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۳۴؛ طبرسی، مکارم الاخلاق،</p>	<p>عن ابی عبدالله عن ابيه (ع) قال: عقّ ابوطالب عن رسول الله (ص) يوم السابع و دعا آل ابی طالب.</p>	<p>عقیقه کننده پیامبر (ص)</p>

ص ۲۲۷: مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۲۹۴.	
---	--

پس از رحلت عبدالله و عبدالمطلب، پیامبر اکرم ﷺ به معنای واقعی یتیم گشته بود؛ اما ابوطالب به تنهایی سرپرستی او را بر عهده گرفت و نگذاشت در مکه بدون حامی بماند. ایشان نسبت به برادرزاده خود بسیار مسؤولیت پذیر بود. تربیت و کفالت او را بر عهده گرفت. یتیم‌نوازی و اکرام پیامبر را به سر حد خود رسانید و در امر ازدواج ایشان همت گمارد و از این وصلت شادمان گردید. او نسبت به وضع مالی پیامبر دغدغه‌مند بود و نسبت به شخصیت پیامبر ﷺ عارف بوده و خاشع و خاضع بود. این خصوصیات ابوطالب رضی الله عنه باعث شد تا پیامبر ﷺ نیز عموی خود را دوست بدارد و از ایشان راضی بوده و مورد دعای خویش قرار دهد. این محبت تا جایی بود که در فراق عموی خود محزون شده، ناله سر داده و اشک غم می‌ریخت.

ج) ویژگی‌های سیاسی

حضرت ابوطالب رضی الله عنه علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی، در راستای گسترش اسلام نیز نمونه بوده و به کارهای مفید و مهمی دست زدند. حمایت همیشگی از پیامبر ﷺ، دفاع و محافظت از ایشان، فدا کردن مال و آبرو و فرزند برای نبی اکرم ﷺ نمونه‌هایی از سلوک سیاسی این مرد بزرگ به شمار می‌رود. در ادامه ویژگی‌های سیاسی ایشان در قالب «نحوه تعامل با دعوت پیامبر» و «برخورد با قریش» ارائه شده است:

۱. در تعامل با دعوت پیامبر ﷺ

ابوطالب رضی الله عنه از آغازین ساعات علنی شدن دعوت پیامبر ﷺ حامی، مدافع و یار ایشان بود. او با پذیرش این آیین، سعی در آماده کردن بستر گسترش آن در مکه، شبه جزیره عربستان و حتی فراتر از آن می‌نمود. با مال و جان از پیامبر ﷺ دفاع می‌کرد و همگان را بر تائید و یاری او موعظه و ترغیب می‌نمود. این خصوصیات ایشان موجب شد اسلام در مکه زنده بماند و سپس به طائف و بعد از آن در سراسر جهان پخش شود. یقیناً می‌توان ماندگاری دین اسلام را مرهون تلاش‌های شبانه‌روزی ایشان دانست. برخی ویژگی‌های حضرت ابوطالب رضی الله عنه در نحوه تعاملش با دعوت پیامبر اکرم ﷺ در قالب فهرستی می‌آید:

منبع	عبارت	ویژگی
علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۳۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۵۲.	عن ابی جعفر <small>علیه السلام</small> قال: لَمَّا مَاتَ ابوطالب <small>علیه السلام</small> فنَادَى ابوجهل و الوليد عليهما لعائن الله: هَلَمُوا فاقْتُلُوا مُحَمَّدًا فقد مات الذي كان ناصره.	یاری کننده پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۴۰؛ عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۵۷؛ حلی، مختصر البصائر، ص ۳۴۵.	علی بن الحسین <small>علیه السلام</small> قال: اوحى الله اليه يا محمد ... فليس لك اليوم بمكة ناصر.	
مفید، الفصول المختارة، ص ۲۸۳؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۱۴۴؛ فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی طالب، ص ۲۶۰؛ دیلمی، غرر الاخبار، ص ۳۶۱؛ یوسف بن حاتم، الدرّ النظیم، ص ۲۱۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۷۴.	لم يزل رسول الله ممنوعاً من الاذى بمكة موفى حتى توفى ابوطالب <small>علیه السلام</small> فنبت به مكة و لم يستقرّ له بها دعوة حتى جاءه جبرئيل فقال: ان الله يقرؤك السلام و يقول لك: اخرج من مكة فقد مات ناصرك.	
فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی طالب، ص ۳۶۲؛ یوسف بن حاتم، الدرّ النظیم، ص ۲۱۹.	عن الحسن بن علی العسکری عن ابيائه <small>علیهم السلام</small> : فامّا الذي تنصرک سرّاً فسيدهم و افضلهم ابوطالب.	
ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۶۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۷۶ و ج ۱۰۱، ص ۳۶۲.	روى عن الصادق <small>علیه السلام</small> : ان الله تعالى لما بعث رسول الله (صلی الله علیه وآله) كان ابونا ابوطالب ... الناصر له.	
طبرسی، اعلام الوری، ص ۹؛ كشف الغمّة، ج ۱، ص ۱۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۵۳۰.	كفله عمّه ابوطالب بعد وفاة عبدالمطلب فكان يكرمه و يحميه و ينصره بيده و لسانه ايام حياته.	

<p>صدوق، الامالی، ص ۲۴۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۶۸.</p>	<p>عن حبيب بن ابی ثابت رفعه قال: دخل رسول الله ﷺ على عمّه ابی طالب و هو مسجی فقال: یا عمّ كفلت یتیمان و ربّیت صغیرا و نصرت کبیرا، فجزاک الله عنی خیرا.</p>	
<p>فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی طالب، ص ۱۴۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۷.</p>	<p>عن محمد بن علی الباقر <small>علیه السلام</small>: مات ابوطالب بن عبدالمطلب مسلما مؤمنا و شعره فی دیوانه یدلّ علی ... نصرته.</p>	
<p>ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۷؛ یوسف بن حاتم، الدرّ النظیم، ص ۲۰۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۸۴.</p>	<p>[قال الاسد]: انّما انت ابو اسد الله ناصر نبی الله و مرّیبه.</p>	
<p>حسینی، تسلیة المجالس، ج ۱، ص ۱۵۶؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۸.</p>	<p>[قال النبی <small>صلی الله علیه و آله</small>]: ما نالت قریش منّی شیئا اکرهه حتّی مات ابوطالب.</p>	<p>حامی پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> با جان و آبرو</p>
<p>ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۶۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۷۶ و ج ۱۰۱، ص ۳۶۲.</p>	<p>روی عن الصادق <small>علیه السلام</small>: انّ الله تعالی لَمّا بعث رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small> کان ابونا ابوطالب المواسی له بنفسه.</p>	
<p>ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۵؛ یوسف بن حاتم، الدرّ النظیم، ص ۲۱۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۸۵.</p>	<p>عن الازاعی ... امسکه ابوطالب فی حجره و قام بامرہ یحمیه بنفسه و ماله و جاهه فی صغره من الیهود المرصدة له بالعداوة و من غیرهم من بنی اعمامه و من العرب قاطبة الذین یحسدونه علی ما اتاه الله من النبوّة.</p>	
<p>ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۸۴.</p>	<p>قال ابن ابی الحدید: و لو لا ابوطالب و ابنه* لما مثل الدین شخصا فقاما.</p>	<p>قوام دهنده اسلام</p>

<p>ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۱، ص ۱۴۲.</p>	<p>قال ابن ابی‌الحدید: فانّ من قرا علوم السیر عرف انّ الاسلام لو لا ابوطالب لم یکن شیئا مذکورا.</p>	
<p>صدوق، الامالی، ص ۶۱۴؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۳۹؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۱، ص ۱۲۹؛ یوسف بن حاتم، الدرّ النظیم، ص ۱۳۴؛ فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی‌طالب، ص ۱۲۹.</p>	<p>ابن عبّاس عن ابيه قال: قال ابوطالب لرسول الله ﷺ ... اشهد أنّك صادق.</p>	<p>و تصدیق تائیدکننده پیامبر ﷺ</p>
<p>ابن طاووس، الطرائف، ج ۱، ص ۳۰۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۴۵.</p>	<p>عن ابن عبّاس: ... قال ابوطالب رضی‌الله‌عنه: لا یقومنّ احد. قال: فجلسوا. ثم قال للنبی ﷺ: قم یا سیدی فتکلم بما تحبّ و بلغ رسالة ربّک فانّک الصادق المصدّق.</p>	
<p>سعد السعود، ص ۱۳۲؛ فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی‌طالب، ص ۱۵.</p>	<p>[من اشعار ابی‌طالب]: و دعوتی و علمت أنّک صادق و لقد صدقت و كنت ثمّ امینا.</p>	
<p>صدوق، الامالی، ص ۶۱۴؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۳۹؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۱، ص ۱۲۹؛ یوسف بن حاتم، الدرّ النظیم، ص ۱۳۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۳۷۰.</p>	<p>قال ابن عبّاس عن ابيه: قال ابوطالب لرسول الله ﷺ: یا ابن‌اخ، الله ارسلک؟ قال: نعم ... فقال ابوطالب: اشهد أنّک صادق.</p>	
<p>فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی‌طالب، ص ۱۴۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۷.</p>	<p>عن محمّد بن علی الباقر (ع)؛ شعره فی دیوانه يدلّ علی ... تصدیقه اياه بما جاء به من ربّه.</p>	

<p>طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۵؛ قصص الانبیاء، ص ۳۲۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۴۱۸.</p>	<p>ابوطالب یحض النجاشی علی نصره النبی ﷺ و اتباعه و اشیاعه.</p>	<p>مبلغ پیامبر ﷺ</p>
<p>ابن طاووس، الطرائف، ج ۱، ص ۳۰۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۴۵.</p>	<p>قام رسول الله ﷺ لیتکلم فاعترضه ابو لهب لعنه الله قال: فقال له ابوطالب رضی الله عنه: اسکت یا اعور ما انت و هذا؟! قال: ثم قال ابوطالب رضی الله عنه: لا یقومن احد. قال: فجلسوا. ثم قال للنبی ﷺ: قم یا سیدی فتکلم بما تحب و بلغ رسالة ربک فانک الصادق المصدق.</p>	<p>آماده کننده محیطا برای تبلیغ پیامبر ﷺ</p>
<p>فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۲، ص ۲۵.</p>	<p>ابوطالب قال عند موته: یا معشر بنی عبد مناف اطیعوا محمدا و صدقوه.</p>	<p>توصیه کننده همگان به اطاعت</p>
<p>فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۴۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۰۷.</p>	<p>قال ابو عبدالله الصادق ﷺ: لَمَّا حضرت اباطالب رضی الله عنه الوفاة ... فقال: ... معاشر قریش ابن ابیکم و امکم کونوا له ولاة و لحزبه حماة.</p>	<p>و تصدیق رسول ﷺ</p>
<p>صدوق، الامالی، ص ۵۰۸؛ مفید، الفصول المختارة، ص ۱۷۱ و ص ۲۸۳؛ کراچی، کنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۸۱ و ۲۷۱؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۸۶؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۹؛ فخار بن معد الموسوی، ایمان ابی طالب، ص ۲۴۹.</p>	<p>قال الصادق ﷺ: اول جماعة كانت، ان رسول الله ﷺ كان یصلی و امیر المؤمنین ﷺ معه اذ مرّ ابوطالب به و جعفر معه فقال: یا بنی صل جناح ابن عمک فلما احسّه رسول الله ﷺ تقدمها و انصرف ابوطالب مسرورا و هو یقول: انّ علیا و جعفرا تفتی* عند ملم الزمان و الكرب* و الله لا اخذل النبی و لا* یخذله من بنی ذو حسب* لا</p>	<p>خرسند از پیشبرد اهداف رسول الله ﷺ</p>

	تخذلا و انصرا ابن عمكما* اخی لامی من بینهم و ابی.	
دلداری و وعده پیروزی دهنده به پیامبر (ع)	فی روایة انه قال (ع): ان الله تعالی امرنی ان ادعو الی دینه الحنیفیه ... فدعاه ابوطالب و طیب قلبه و وعده بالنصر.	ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۵۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۸۷.

ابوطالب (ع) در برخورد با دعوت پیامبر (ع)، برخلاف سایر اشراف قریش جبهه‌ای مدافعانه داشت. او یاور و حامی پیامبر (ع) بوده و نه تنها با زبان بلکه با جان و مال و آبرو، قوام دهنده اسلام بود. او نبی اکرم (ع) را همواره تصدیق می‌کرد و محیط را برای دعوت آن جناب مهیا کرده و حتی گاهی خود به تبلیغ معارف محمدی می‌پرداخت. او نه تنها پیامبر (ع) را تایید می‌نمود، بلکه دیگران را نیز توصیه به اطاعت و تایید ایشان نموده و از پیشبرد امور ایشان خوشحال می‌شد. با این ویژگی‌ها می‌توان گفت که قوام نهال نوظهور اسلام به خاطر شخصیت و فعالیت‌های ابوطالب (ع) بود.

۲. در برخورد با قریش

دعوت عمومی پیامبر (ع) بازخوردهای گوناگونی داشت. برخی مانند خدیجه (ع) و امیرالمؤمنین (ع)، سمیه، بلال و ... از همان ابتدا مجذوب دعوت پیامبر (ع) شده و ایشان را تایید نمودند. برخی نیز مانند غالب قریشیان در مقام مخالفت و دشمنی با این دین برخاستند. آنها ابتدا اعتراض خود را به صورت زبانی ابراز داشته و کم‌کم عداوت خود را با اعمال ظالمانه به پیامبر (ع) و یاران ایشان روا داشتند. در این بین ابوطالب (ع) با دفاع از پیامبر (ع) به صورت زبانی و همچنین محافظت از جان ایشان به شکل عملی، با قریش به مخالفت پرداخت. او پی‌درپی به موعظه و تشویق دیگران برای نصرت پیامبر (ع) مشغول بود و کسانی را که به ایشان بی‌احترامی می‌کردند مورد عتاب و غضب قرار می‌داد. در جدول زیر ویژگی‌های او در برخورد با قریش منعکس شده است:

منبع	عبارت	ویژگی
سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ج ۲، ص ۷۷۹.	[قال قیس بن سعد بن عبادة]: كان ابوطالب عمه يذب عنه و يمنع منه و يحول بين كفار قریش و بينه ان يروعه او يؤذوه.	مدافع پیامبر (ع) در برابر سایرین

<p>کان [ابوطالب] یحرسه باللیل و النهار قائما علی راسه بالسیف اربع سنین. ص ۳۸۰.</p>	<p>محافظة پیامبر ﷺ جان</p>
<p>علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۸۰.</p>	<p>عن ابن عباس قال: مات عبدالمطلب ... فضمه ابوطالب الى نفسه لا يفارقه ساعة من ليل و لا نهار و كان ينام معه حتى لا ياتمن عليه احدا.</p>
<p>صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۱۷۲؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۱۶۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۴۴.</p>	<p>روی: کان النبی ﷺ اذا اخذ مضجعه و نامت العیون جاءه ابوطالب فانہضه عن مضجعه و اضجع علیا مکانه.</p>
<p>مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۹۳.</p>	<p>فدا کننده فرزند در راه پیامبر ﷺ</p>
<p>ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۴۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۵۳.</p>	<p>ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۴۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۵۳.</p>
<p>فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۵۳؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۶۴؛ بحرانی، حلیة الابرار، ج ۱، ص ۷۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۹۳.</p>	<p>روی: اذا اخذ مضجعه و نامت العیون جاءه ابوطالب فانہضه عن مضجعه و اضجع علیا مکانه.</p>
<p>علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۷۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۸۰.</p>	<p>تحويل ندادن پیامبر ﷺ به قریش</p>
<p>اجتمعوا [معشر قریش] الى ابی طالب فقالوا: انت سيد من ساداتنا فادفع الينا محمداً لنقتله و تملك علينا فقال ابوطالب قصيدته الطويلة يقول فيها: و لما رايت القوم لا و دّ عندهم* و قد قطعوا كلّ العرى و الوسائل* كذبتهم و بيت الله يبرا محمداً* و لما نطاعن دونه و نناضل* و نسلّمه حتّى نصرع حوله* و نذهل عن ابنائنا و الحلائل</p>	<p>اجتمعوا [معشر قریش] الى ابی طالب فقالوا: انت سيد من ساداتنا فادفع الينا محمداً لنقتله و تملك علينا فقال ابوطالب قصيدته الطويلة يقول فيها: و لما رايت القوم لا و دّ عندهم* و قد قطعوا كلّ العرى و الوسائل* كذبتهم و بيت الله يبرا محمداً* و لما نطاعن دونه و نناضل* و نسلّمه حتّى نصرع حوله* و نذهل عن ابنائنا و الحلائل</p>

<p>ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۴۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۹۸ و ج ۴۶، ص ۳۴۳.</p>	<p>لَمَّا اعترض ابو لهب على رسول الله ﷺ عند اظهار الدعوة قال له ابوطالب: يا اعرور ما انت و هذا؟! </p>	<p>اعتراض کننده به کسانی که دعوت پیامبر ﷺ را نپذیرفتند</p>
<p>فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی طالب، ص ۲۷۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۲۵.</p>	<p>قال الشعبي: لَمَّا قعدت قريش لرسول الله ﷺ بالموسم و زعموا أنّه ساحر قال ابوطالب في ذلك: زعمت قريش انّ احمد ساحر*كذبوا و ربّ الراقصات الى الحرم*ما زلت اعرفه بصدق حديثه*و هو الامين على الحرائب و الحرم</p>	<p>دفع کننده شبهات از پیامبر ﷺ</p>
<p>فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی طالب، ص ۱۴۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۷.</p>	<p>عن محمد بن علی الباقر (ع): امره لولديه علی و جعفر بان يسلما و يؤمنا بما يدعو اليه.</p>	<p>امر خویشان به تبعیت از پیامبر ﷺ</p>
<p>ابن حیون، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۵۴۹؛ کراچکی، کنز الفوائد، ج ۱، ص ۲۷۱؛ فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی طالب، ص ۲۴۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۲۰.</p>	<p>فقال ابوطالب لجعفر: صلّ جناح ابن عمّك.</p>	<p>امر خویشان به تبعیت از پیامبر ﷺ</p>
<p>سعد السعود، ص ۱۲۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۶۹.</p>	<p>عن عثمان بن مظعون: قال [ابوطالب] يا آل غالب أتبعوه ترشدوا و تفلحوا فو الله ما يدعو آلا الى مكارم الاخلاق لئن كان صادقا او كاذبا ما يدعو آلا الى الخير.</p>	<p>امر خویشان به تبعیت از پیامبر ﷺ</p>
<p>صدوق، الامالی، ص ۵۰۸؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۸۶؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل</p>	<p>قال الصادق جعفر بن محمد (ع): أوّل جماعة كانت، انّ رسول الله ﷺ كان یصلی و امیر المؤمنین (ع) معه اذ مرّ</p>	<p>امر خویشان به تبعیت از پیامبر ﷺ</p>

<p>ابوطالب، ج ۲، ص ۱۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۶۸.</p>	<p>ابوطالب <small>رضی الله عنه</small> به و جعفر معه فقال: یا بنی صل جناح ابن عمک.</p>	
<p>مفید، الفصول المختارة، ص ۱۷۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۳۸۰.</p>	<p>روى: انّ اباطالب رحمة الله عليه مرّ على رسول الله <small>صلى الله عليه وآله</small> و هو يصلى و على <small>رضي الله عنه</small> الى جانبه فلما سلم قال: ما هذا يا ابن اخ؟ فقال له رسول الله <small>صلى الله عليه وآله</small>: شىء امرنى به ربى يقربنى به اليه. فقال لابنه جعفر: يا بنى صل جناح ابن عمك. فصلّى رسول الله <small>صلى الله عليه وآله</small> بعلّى و جعفر جميعا.</p>	
<p>مفید، الفصول المختارة، ص ۲۸۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۷۴.</p>	<p>قوله [یعنی ابوطالب] رحمة الله عليه و قد مرّ على امير المؤمنين <small>عليه السلام</small> و هو يصلى عن يمين رسول الله و معه جعفر ابنه فقال: يا بنى صل جناح ابن عمك فصلّى جعفر معه و تاخر امير المؤمنين <small>عليه السلام</small> حتى صار هو و جعفر خلف رسول الله <small>صلى الله عليه وآله</small>.</p>	
<p>کراچکی، کنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۸۱.</p>	<p>قوله لابنه جعفر و قد امره بالصلاة مع النبى <small>صلى الله عليه وآله</small> و قال: يا بنى صل جناح ابن عمك.</p>	
<p>کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۲۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۲۶.</p>	<p>عن ابى عبدالله <small>عليه السلام</small> قال: ... دعا ابوطالب علياً <small>عليه السلام</small> فقال له: يا بنى اذهب الى عمك ابى لهب ... فذهب امير المؤمنين <small>عليه السلام</small> ... فلما رآه ابو لهب قال له: ما لك يا ابن اخى؟ فقال له: انّ ابى يقول: ... يقتل ابن اخيك و انت تاكل و تشرب! ... خرج ابو لهب و معه السيف</p>	<p>ترغیب و تهییج کننده دیگران برای دفاع از پیامبر <small>صلى الله عليه وآله</small></p>

	فلما راته قريش عرفت الغضب في وجهه.	
فتال نيشابورى، روضة الواعظين، ج ۱، ص ۱۴۰؛ فخار بن معد الموسوى، ايمان ابى طالب، ص ۳۲۵؛ مجلسى، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۰۶.	قال ابو عبدالله الصادق <small>عليه السلام</small> : لما حضرت اباطالب رضى الله عنه الوفاة جمع وجوه قريش فاوصاهم فقال: انى اوصيكم بمحمد خيرا فانه الامير فى قريش و الصديق فى العرب و هو جامع لهذه الخصال التى اوصيكم بها.	
مفيد، الفصول المختارة، ص ۲۸۴؛ فتال نيشابورى، روضة الواعظين، ج ۱، ص ۱۴۱؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابى طالب، ج ۱، ص ۶۱؛ مجلسى، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۷۵.	روى: ان اباطالب رضوان الله عليه لما حضرته الوفاة اجتمع اليه اهله فانشا يقول: اوصى بنصر النبى الخير مشهده* عليا ابنى و شيخ القوم عباسا	
ابن شهر آشوب، مناقب آل ابى طالب، ج ۱، ص ۶۱؛ يوسف بن حاتم، الدرّ النظيم، ص ۲۱۷؛ مجلسى، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۹۰.	لما رات قريش يعلو امره ... ليجمعنّ قبائل قريش كلّها على قتله و بلغ ذلك اباطالب فجمع بنى هاشم و احلافهم من قريش فوصّاهم برسول الله <small>صلى الله عليه و آله و سلم</small> و قال: ان ابن اخى كما يقول اخبرنا بذلك أبأؤنا و علماؤنا ان محمدا نبى صادق و امين ناطق.	
فخار بن معد الموسوى، ايمان ابى طالب، ص ۱۴۰؛ مجلسى، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۷.	عن محمد بن على الباقر <small>عليه السلام</small> : شعره فى ديوانه يدل على ايمانه ثم محبته و تربيته و نصرته و معاداة اعداء رسول الله <small>صلى الله عليه و آله و سلم</small> و موالاة اوليائه و تصديقه اياه بما جاء به من ربه.	دشمنى دشمنان و دوستدار دوستان پیامبر و تصديق آنچه که از جانب ایشان آمده
ابن شهر آشوب، مناقب آل ابى طالب، ج ۱، ص ۶۰؛ بحرانی، حلیة الابرار، ج ۱، ص ۱۲۰؛	[عن] ابن عباس: دخل النبى <small>صلى الله عليه و آله و سلم</small> الكعبة و افتتح الصلاة فقال ابو جهل: من يقوم الى هذا الرجل فيفسد عليه صلواته؟	منتقم از آزاردهندگان پیامبر <small>صلى الله عليه و آله و سلم</small>

<p>مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۸۷ و ج ۳۵، ص ۸۹.</p>	<p>فقام ابن الزبیری و تناول فرثا و دما و القی ذلك علیه. فجاء ابوطالب و قد سلّ سيفه فلمّا راوه جعلوا ينهضون. فقال: و الله لئن قام احد جللته بسيفی. ثم قال: یا ابن اخی من الفاعل بك هذا؟ قال: عبدالله. فاخذ ابوطالب فرثا و دما و القی علیه.</p>
<p>راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۸۵؛ فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی طالب، ص ۲۵۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۲۳.</p>	<p>كان ابوطالب قد فقده تلك الليلة فجعل يطلبه و جمع بنی هاشم ثم اعطاهم المدی و قال لهم: اذا رايتمونی قد دخلت و ليس معی محمّد فليضرب كل رجل منكم جليسه و الله لا نعيش نحن و لا هم و قد قتلوا محمّدا.</p>
<p>كلینی، الكافی، ج ۱، ص ۴۴۹؛ بحرانی، حلیة الابرار، ج ۱، ص ۱۰۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۳۹.</p>	<p>عن ابی عبدالله <small>عليه السلام</small> قال: قال [ابوطالب] لحمزة: خذ السلی ثم توجه الى القوم و النبی معه فاتی قريشا و هم حول الكعبة فلما راوه عرفوا الشرّ فی وجهه ثم قال لحمزة: امر السلی علی سبالهم ففعل ذلك حتّى اتی علی آخرهم ثم التفت ابوطالب الى النبی <small>عليه السلام</small> فقال یا ابن اخی هذا حسبك فينا.</p>
<p>فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی طالب، ص ۳۵۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۲۷.</p>	<p>روی: أنّه <small>عليه السلام</small> لما رمی بالسلی جاءت ابنته فاطمة <small>عليها السلام</small> فاماطت عنه بيدها ثم جاءت الى ابی طالب رحمه الله فقالت: یا عمّ ما حسب ابی فيکم؟ فقال: یا بنية ابوك فينا السيد المطاع العزيز الكريم فما شانك؟ فاخبرته بصنع القوم ففعل ما فعل بالسادات من قريش ثم جاء الى</p>

	<p>النبي <small>ﷺ</small> قال: هل رضيت يا ابن أخي؟ ثم اتى فاطمة <small>رضي الله عنها</small>.</p>	
<p>ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۸۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۸۴.</p>	<p>روی: أنه فقدہ ابوطالب فی تلك الليلة [یعنی لیلۃ الاسراء] فلم یزل یطلبه و وجهه الی بنی هاشم و هو یقول: یا لها من عظیمۃ ان لم ار رسول الله <small>ﷺ</small> الی الفجر فبینا هو كذلك اذ تلقاه رسول الله <small>ﷺ</small> و قد نزل من السماء علی باب امّ هانئ فقال له: انطلق معی. فادخل بین یدیه المسجد فدخل بنو هاشم فسلّ ابوطالب سیفه عند الحجر ثم قال: اخرجوا ما معکم یا بنی هاشم ثم التفت الی قریش فقال: و الله لو لم اره ما بقیت منکم عین تطرف.</p>	
<p>فخّار بن معد الموسوی، ایمان ابی طالب، ص ۲۲۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۲۳.</p>	<p>الواقدی قال: كان ابوطالب بن عبدالمطلب لا یغب صباح النبی <small>ﷺ</small> و لا مساء و یحرسه من اعدائه و یخاف ان یغتالوه فلما كان ذات یوم فقدہ فلم یره ... فقال: امضوا و اعدوا سكاكين و لیمض کل رجل منکم و لیجلس الی جنب سید من سادات قریش فان اتیت و محمّد معی فلا تحدثن امرا و کونوا علی رسلکم حتّی اقف علیکم و ان جئت و ما محمّد معی فلیضرب کلّ رجل منکم الرجل الذی الی جانبه من سادات قریش.</p>	

بسیاری از قریشیان پس از دعوت پیامبر اکرم ﷺ به مقابله همه‌جانبه با پیامبر روی آوردند؛ اما جناب ابوطالب ﷺ سیاستی دیگر اتخاذ کرده و در مقابل جاهلان قریش به دفاع از پیامبر ﷺ و حفاظت از جان ایشان پرداخت. ایثارگری او در راه اسلام به حدی بود که حاضر شد فرزند دل‌بند خویش را در راه نبی اکرم فدا نماید؛ اما قریش نیز بیکار ننشسته و از هر راهی مانند تحریم، تطمیع و ... به آزار پیامبر ﷺ و ابوطالب ﷺ پرداختند. در این بین ایشان بدون قبول هرگونه معامله‌ای با قریش به کسانی که دعوت او را نپذیرفته بودند اعتراض کرده و به شبهات پیرامون پیامبر اکرم ﷺ در حدّ توان جواب می‌داد. ابوطالب ﷺ خویشان و اقوام را به تبعیت از رسول‌الله ﷺ فرامی‌خواند و مردم را بر دفاع از برادرزاده خویش و دین وی ترغیب و تهییج می‌کرد. او در عین اینکه با دوستداران پیامبر دوست بود، با دشمنان آن حضرت نیز دشمن بوده و چندین مرتبه از اذیت‌کنندگان پیامبر ﷺ به‌سختی انتقام گرفت.

نتیجه

ابوطالب ﷺ شخصیتی مهم و تاثیرگذار در اسلام است. ایشان دارای نسبی پاک بوده و دارای خاندانی ویژه است. او علاوه بر چنین خصوصیت خانوادگی دارای داشته‌های دینی فراوانی نیز هست. ابوطالب ﷺ مشخصه‌های ظاهری بسیار منحصربه‌فردی داشته که مورد مدح و ثنای همگان بوده است. علاوه بر این خصوصیات ظاهری، اخلاق نیک و پسندیده او نیز از «ویژگی‌های فردی» این مرد الهی شمرده می‌شود. ایشان در اجتماع نیز مورد مقبولیت خاص و عام بودند. مناصب اجتماعی او بر کسی پوشیده نیست. ابوطالب ﷺ نه تنها در ارتباط با برادرزاده خود محمد ﷺ بسیار مسؤولیت‌پذیر بود، بلکه با سایر مردم نیز مهربان، بخشنده و نیکوکار بود. این «ویژگی‌های اجتماعی» ایشان موجب شد تا همگان او را به عنوان بزرگ مکه بپذیرند. ایشان دعوت رسول خدای ﷺ را با طیب نفس پذیرفت و به یاری و حمایت و تصدیق آن جناب همت گمارده و در برخورد با قریش قاطعانه ایستاد. این «ویژگی‌های سیاسی» ایشان باعث قوام و گسترش اسلام شده به طوری که بقای اسلام بدون حضور ابوطالب ﷺ قابل تصور نیست. خصوصیت‌های فردی، اجتماعی و سیاسی ایشان موجب شد تا پیامبر اکرم ﷺ عموی خویش را با جان‌ودل دوست بدارد و از او راضی باشد و در فراقش از غم و غصه بگریزد.

کتاب نامه

۱. اثبات الوصية، على بن حسين مسعودی، قم: انصاریان، ۱۳۸۴ش.
۲. الاحتجاج على اهل اللجاج، طبرسی، احمد بن علی، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۳. اعتقادات الامامية (للسدوق)، ابن بابويه، محمد بن علی، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
۴. اعلام الوری باعلام الهدی، طبرسی، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۰ق.
۵. الامالی، ابن بابويه، محمد بن علی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۶. الامالی، طوسی، محمد بن الحسن، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۷. الامامة و التبصرة من الحيرة، ابن بابويه، علی بن حسین، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۴ق.
۸. ایمان ابی طالب (الحجة على الذاهب الى كفر ابی طالب)، الموسوی، فخار بن معد، قم: دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۱۰ق.
۹. بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۰. بشارة المصطفى لشيعة المرتضى، طبری املی، عمادالدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم، نجف: بی نا، ۱۳۸۳ق.
۱۱. البلد الامین و الدرع الحصین، کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ق.
۱۲. تاریخ الاسلام، ذهبی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ق.
۱۳. تاریخ الیعقوبی، یعقوبی، احمد بن اسحاق، بیروت: دارصادر، ۱۳۷۹ق.
۱۴. تاریخ دمشق، ابن عساکر، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۱۵. تذکرة الخواص من الامة بذكر خصائص الائمة، ابن جوزی، یوسف بن قزاعلی البغدادی، بیروت: المجمع العالمی لاهل البيت علیهم السلام، ۱۴۳۳ق.
۱۶. تسلیة المُجالس و زینة المُجالس، حسینی موسوی، قم: موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۸ق.
۱۷. تفسیر العیاشی، عیاشی، محمد بن مسعود، تهران: مطبعة العلمیة، ۱۳۸۰ق.
۱۸. تفسیر القمی، قمی، علی بن ابراهیم، قم: دار الکتب، ۱۴۰۴ق.
۱۹. التفسیر الکبیر، فخر الدین رازی، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۲۰. جامع الاخبار، شعیری، نجف: مطبعة الحیدریة، بی تا.
۲۱. جمل من انساب الاشراف، البلاذری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۲۲. حلیة الابرار فی احوال محمد و آله الاطهار علیهم السلام، بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ق.
۲۳. الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، سعید بن هیبة الله، قم: مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۹ق.

۲۴. خصائص الائمة، شريف الرضى، مشهد: استان قدس رضوى، ۱۴۰۶ق.
۲۵. الدر المنثور، جلال الدين السيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر، بيروت: دارالفكر، ۱۴۱۴ق.
۲۶. الدرّ النظيم فى مناقب الائمة اللهاميم، يوسف بن حاتم شامى، قم: جامعه مدرسين، ۱۴۲۰ق.
۲۷. دلائل الامامة، طبرى، قم: بعثت، ۱۴۱۳ق.
۲۸. روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه، مجلسى، قم: كوشانيپور، ۱۴۰۶ق.
۲۹. روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، فتال نيشابورى، محمد بن احمد، قم: انتشارات رضى، ۱۳۵۷ش.
۳۰. سفينة البحار، عباس قمى، قم: اسوه، ۱۴۱۴ق.
۳۱. سير و المغازى، الواقدى، محمد بن عمر، بيروت: الاعلمى، بى تا.
۳۲. السيرة النبوية، ابن هشام، قاهره: مكتبة محمد على صبيح و اولاده، بى تا.
۳۳. سيرة الحليبة، ابوالفرج الحلبي الشافعى، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۷ق.
۳۴. شرح الاخبار فى فضائل الائمة الاطهار عليهم السلام، ابن حيون، نعمان بن محمد مغربى، قم: جامعه مدرسين، ۱۴۰۹ق.
۳۵. شرح نهج البلاغة لابن ابى الحديد، ابن ابى الحديد، عبدالحميد بن هبة الله، قم: مكتبة آية الله المرعشى النجفى، ۱۴۰۴ق.
۳۶. الصراط المستقيم الى مستحق التقديم، عاملى نباطى، نجف: مكتبة الحيدريه، ۱۳۸۴ق.
۳۷. طبقات كبرى، ابن سعد، بيروت: دار صادر، ۱۹۶۰م.
۳۸. الطوائف فى معرفة مذاهب الطوائف، ابن طاووس، على بن موسى، قم: خيام، ۱۴۰۰ق.
۳۹. العدد القوية لدفع المخاوف اليومية، حلى، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى، ۱۴۰۸ق.
۴۰. علل الشرايع، ابن بابويه، قم: داورى، ۱۳۸۵ش.
۴۱. عوالى اللآلى العزيبه، ابن ابى جمهور، قم: سيد الشهداء، ۱۴۰۵ق.
۴۲. غرر الاخبار، حسن بن محمد ديلمى، قم: دليل ما، ۱۴۲۶ق.
۴۳. الفصول المختاره، مفيد، قم: كنگره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ق.
۴۴. فضائل امير المؤمنين عليه السلام، ابن عقده كوفى، قم: دليل ما، ۱۴۲۴ق.
۴۵. الفضائل، ابن شاذان قمى، قم: رضى، ۱۳۶۳ش.
۴۶. قصص الانبياء عليهم السلام، قطب الدين راوندى، سعيد بن هبة الله، مشهد: مركز پژوهش هاى اسلامى، ۱۴۰۹ق.
۴۷. الكافى، كلينى، محمد بن يعقوب، تهران: دار الكتب الاسلامية، ۱۴۰۷ق.
۴۸. كتاب سليم، سليم بن قيس هلالى، قم الهادى، ۱۴۰۵ق.
۴۹. الكتاب العتيق، محمد بن على بن الحسين علوى، قم: دليل ما، ۱۴۲۸ق.

۵۰. کتاب المزار - مناسک المزار، مفید، محمد بن محمد، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمته الله ۱۴۱۳ق.
۵۱. کشف الغمة فی معرفة الائمة، اربلی، علی بن عیسی، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۵۲. کمال الدین و تمام النعمة، ابن بابویه، محمد بن علی، تهران: اسلامیة، ۱۳۹۵ق.
۵۳. کنز الفوائد، کراچی، محمد بن علی، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۰ق.
۵۴. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب، قم: دار بیدار، ۱۳۶۹ق.
۵۵. مجموعة نفیسة فی تاریخ الائمة علیهم السلام، عدهای از علماء، بیروت: دار القاری، ۱۴۲۲ق.
۵۶. مختصر البصائر، حسن بن سلیمان حلی، قم: ۱۴۲۱ق.
۵۷. المزار الكبير (لابن المشهدی)، ابن مشهدی، محمد بن جعفر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ق.
۵۸. المصباح للكفعمی (جنة الامان الواقیة)، کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، قم: دار الرضی (زاهدی)، ۱۴۰۵ق.
۵۹. معانی الاخبار، ابن بابویه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۶۰. من لا یحضره الفقیه، ابن بابویه، محمد بن علی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۶۱. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.